

تأثیرات منفی آفات سه‌گانه زبان (غیبت، تهمت و بهتان) بر زندگی اسلامی

اسماء بهارستانی،^(۱) معصومه پناهی^(۲)

چکیده

یکی از مباحث مهم در اخلاق اسلامی که در قرآن و روایات بدان بسیار توجه شده، آفات اعضای بدن است. بر مبنای آموزه‌های قرآن و سنت، هر یک از اعضای بدن، در کنار منافی که برای صاحب خود دارند، در صورت بهره‌برداری نادرست، مضاری نیز برای فرد می‌توانند داشته باشند. در این میان زبان یکی از اعضایی است که به دلیل کاربست فراوانش در زندگی، لغزش‌های بیشتری نیز دارد و آفت‌های بیشتری را می‌تواند متوجه فرد سازد. این پژوهش، سه آفت مهم زبان یعنی غیبت، بهتان و تهمت را، که به نوعی با هم مرتبط هستند، از منظر قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده و پس از تبیین حوزه معنایی این سه واژه و تفاوت‌های مفهومی میان آن‌ها، به بررسی آسیب‌های این سه گناه در زندگی اسلامی پرداخته و پیامدهای آن را تبیین نموده است.

واژگان کلیدی: غیبت، بهتان، تهمت، گناهان کبیره، آفات زبان.

مقدمه

در متن بسیاری از روایات اسلامی از آفات اعضای بدن برای انسان سخن رفته و آسیب‌هایی که هر یک از اعضای بدن می‌تواند از نظر معنوی بر روح و روان افراد وارد کند، تبیین شده است. یکی از اعضای بدن که در روایات ما بسیار بدان توجه و آفت‌های آن تبیین و گاه بیش از بیست آفت برای آن ذکر شده، زبان است. زبان یکی

۱. (نویسنده مسئول)؛ دانشجوی کارشناسی تربیت معلم قرآن مجید؛ دانشکده علوم قرآنی خوی.

۲. دانشجوی کارشناسی تربیت معلم قرآن مجید؛ دانشکده علوم قرآنی خوی.

از اعضای پر کاربرد بدن است و به دلیل همین کاربرد فراوانش، آفت‌های بسیاری نیز به صورت بالقوه در آن نهفته است. این آفت‌ها را از زوایای مختلف می‌توان در دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه کرد. اگر از جنبه صدق و کذب سخن به آن نگاه کنیم، آفت آن دروغ است. اگر از جنبه نیت گوینده بدان بنگریم، آفت آن سخن ریاکارانه و متملقانه است. اگر از زاویه حق و باطل بدان نگاه کنیم، آفت‌هایی مثل شهادت به ناحق، جدل باطل و ... را می‌توان نام برد. یکی از گروه‌های آفات زبان، آفت‌هایی است که به قضاوت ما درباره دیگران مربوط است که اغلب در زمان‌هایی انجام می‌شود که فردی که در موردش قضاوتی انجام می‌گیرد، حضور ندارد تا از خود دفاع کند. آفت‌هایی که در این گروه قرار می‌گیرند، سه آفت مهم غیبت، بهتان و تهمت است که در این پژوهش موضوع بحث قرار گرفته است. تا کنون پژوهش‌هایی چند در این موضوع انجام شده و محققان بسیاری آفت‌های سه‌گانه مذکور را مورد بررسی قرار داده و آثار آن را ارزیابی نموده‌اند، اما بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تا کنون پژوهشی که علاوه بر بررسی و تبیین تفاوت‌های غیبت، تهمت و بهتان، بر تأثیر آن بر سبک زندگی پرداخته باشد، صورت نگرفته است، ولی آثاری با موضوعات مرتبط تألیف شده است که مهم‌ترین آن‌ها کتاب آفات زبان، از محسن غفاری است که در سال ۱۳۹۱ به چاپ رسیده است و همچنین کتاب اخلاق الهی از مجتبی تهرانی که در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسیده است. علاوه بر کتب مذکور مقالاتی از جمله «غیبت و پیامد های آن» از عبدالله زکی منتشر شده در فصلنامه بشارت و مقاله «خطرات آفات زبان» منتشر شده در ماهنامه گنجینه را می‌توان نام برد. تمایز این پژوهش با سایر کارهایی که در این زمینه انجام شده، در این است که این پژوهش از منظر سبک زندگی و تأثیر این آفت‌ها در سبک زندگی اسلامی و تخریب مناسبات میان افراد به موضوع نگرینسته و ابعاد جدیدی از آسیب‌های این اعمال را آشکار ساخته است.

بحث و بررسی

۱- معنانشناسی واژه‌های تهمت، غیبت و بهتان

پیش از ورود به بحث لازم است معنای واژگان سه‌گانه مذکور و روابط حاکم میان آن‌ها از نظر لغوی بررسی و تبیین شود.

۱-۱- مفهوم غیبت

غیبت در اصل به معنای پوشیده ماندن چیزی از مقابل چشم‌ها است. (ابن فارس، ۱۴۲۹: ۷۷۹؛ جوهری، ۱۴۲۹: ۳، ۱۱۲؛ شریعتمداری، ۱۳۸۴: ۳، ۳۷۸) که بعدها توسعه معنایی یافته و به بدگویی پشت سر دیگری و عیب‌های فرد که در غیاب او یادآوری می‌شود، اطلاق یافته است. (قرشی، ۱۳۷۸: ۲، ۵۸) راغب می‌گوید: «غیبت این است که انسان را به عیبی که در اوست، بدون اینکه نیازی به ذکرش باشد، یادآوری کنند.» (راغب، ۱۳۷۵: ۷۲۴) غیبت در اصطلاح عبارت است از یاد کردن دیگران به کلام یا فعلی که اگر بفهمند، آن را خوش ندارند، خواه موضوع آن نقص عضو افراد یا ضعف اخلاقی افراد یا کیفیت گفتاری یا کرداری آنها باشد یا غیر آن. (نراقی، ۱۳۶۱: ص ۴۲۹؛ نیلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲، ۵۸۵) امام صادق (علیه السلام) در تعریف غیبت می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْغَيْبَةِ أَنْ تَقُولَ فِي أَخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ غیبت آن است که درباره برادرت حرفی را بر زبان بیاوری که خداوند آن را مخفی نموده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۲۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۲۴۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۳۳۳) بنابراین می‌توان گفت مفهوم غیبت، آشکار کردن عیب موجود پوشیده است.

۱-۲- مفهوم بهتان

بهتان در لغت، به معنای «دهشت» و «حیرت» است و در عرف، به معنای دروغ بستن به افراد است به گونه‌ای که مایه تحیر شود. (ابن فارس، ۱۴۲۹: ۱۳۹) تعابیر قرآنی ﴿فَبَهَّتِ الذِّی كَفَرَتْ﴾ (بقره/۲۵۸) و ﴿هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۱۶) نیز به این معانی اشاره دارد. بهتان در اصطلاح عبارت است از آنکه انسان، گناه خود را به دیگری نسبت دهد. (تاج لنگرودی، ۱۳۷۲: ۱۳۳) و نیز به معنای دروغ بستن به افراد است؛ به گونه‌ای که مایه تحیر آنها شود. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۳) همچنین در قرآن کریم آمده است: ﴿وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ (نساء/۱۱۲) در اینجا هم بهتان به معنای کاری است که شخصی مرتکب شود و مسئولیت انجام آن را بر عهده دیگری بگذارد؛ به بیان دیگر، کار را به فرد دیگری نسبت دهد. با توجه به آنچه گفته شد، بهتان نسبت دادن عیب غیرموجود به دیگری است؛ خواه در مقابل دیدگان او باشد، خواه پشت سر او انجام شود.

۱-۳- مفهوم تهمت

«تهمت» از ریشه «وهم»، به معنای اظهار بدگمانی است که به دل انسان راه یافته است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴، ۵۴؛ ابن فارس، ۱۴۲۹: ۱۰۶۸؛ جوهری، ۱۴۲۹: ۳، ۱۱۶۴)

در تهمت، انسان از گفتار، رفتار یا حالت دیگری، برداشت بد و منفی می‌کند که البته این برداشت، گاه به خود رفتار باز می‌گردد و گاه از آن رفتار، صفات درونی و ویژگی‌های ناپسند برداشت می‌شود، بی‌آنکه خود رفتار بد و ناپسند باشد. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۴۴) بنابراین، تهمت زدن، نوعی وهم و خیال است؛ به این معنا که انسان، رفتاری را از فردی می‌بیند و تصور می‌کند که آن رفتار، نوعی رفتار بد است یا از نیت بدی سرچشمه گرفته است.

۱- ۴- تفاوت معنایی غیبت، تهمت و بهتان

هر سه واژه یادشده، هر چند از نظر معنا شباهت‌هایی با هم دارند، اما تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها هست که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱- ۴- ۱- تفاوت غیبت و بهتان

بهتان بدان معنی است که عیبی را که می‌دانی در کسی نیست، به او نسبت دهی، اما غیبت عبارت است از یادآوری عیبی که می‌دانیم در فردی وجود دارد. پس تفاوت غیبت و بهتان در مسئله وجود و عدم وجود عیب در فرد است. اگر عیب موجود در فرد را بر زبان بیاوریم، مرتکب غیبت شده‌ایم، اما اگر عیبی را که در فرد موجود نیست، به او نسبت دهیم، مرتکب بهتان شده‌ایم. البته اگر صفتی را که در شخص وجود ندارد، پشت سرش به او نسبت دهند، هم غیبت او را کرده و هم به او بهتان زده‌اند و احکام هر دو مورد بر آن صدق می‌کند؛ به این معنا که غیبت‌کننده هم باید استغفار کند و هم باید از آن فرد حلالیت بطلبد. (مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۳، ۴۲۳؛ تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۳۱؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲، ۱۳۲۴؛ نراقی، ۱۳۶۱: ۴۲۹) این معنا در روایات هم تبیین شده است؛ چنان‌که پیامبر در پاسخ ابوذر که از او درباره مفهوم غیبت پرسیده بود، فرمود:

«ذَكَرْتُ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ.» قُلْتُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ كَانَ فِيهِ الَّذِي يُذَكَّرُ بِهِ؟» قَالَ: «إِلَّمِ أَنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا هُوَ فِيهِ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَإِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ نَهَيْتَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲، ۲۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۲۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۳)

«غیبت این است که برادرت را به چیزی که از آن ناخرسند می‌شود، یاد کنی.» عرض کردم: «اگر عیبی که یاد کردم در او بود، چه؟» فرمود: «اگر عیبی که یاد کردی در او باشد، غیبت کرده‌ای و اگر نباشد، به او بهتان زده‌ای.»

۱-۴-۲. تفاوت معنایی تهمت و غیبت

تهمت آن است که بر پایه حدس و گمان بد در حق کسی، به او رفتار یا حالت ناپسندی را نسبت دهند؛ در حالی که غیبت، باز گفتن عیب‌های واقعی شخص در غیاب او است. (قارونی، ۱۳۸۴: ۱۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۲، ۱۹۳؛ تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۳۲) بنابراین، تفاوت معنایی غیبت و تهمت به حوزه توهّم و واقعیت بازمی‌گردد؛ یعنی اگر تصور کنیم که رفتاری که از فرد سر زده است، رفتاری ناپسند است یا از نیتی ناپسند نشأت گرفته است، مرتکب تهمت شده‌ایم و به نوعی او را متهم ساخته‌ایم، اما اگر عیبی را که قطع و یقین داریم در فرد موجود است، بر زبان آوریم، مرتکب غیبت گشته‌ایم.

۱-۴-۳. تفاوت معنایی بهتان و تهمت

در بهتان، انسان می‌داند کسی که به او نسبت ناروا می‌دهد، کار نادرستی انجام نداده است؛ ولی از روی اغراض و خواسته‌های نفسانی، همانند دشمنی، کینه و حسد، صفت یا رفتار ناشایستی را به او نسبت می‌دهد؛ اما در تهمت انسان تنها برداشت خویش از رفتار دیگری را مد نظر قرار می‌دهد و او را متهم می‌سازد؛ در حالی که نمی‌داند این رفتار از او سر زده است. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: ۲۲، ۲۰۱)

۲- اسباب و عوامل ارتکاب به آفات سه‌گانه زبان

اسباب و عوامل آفت‌های سه‌گانه مذکور را می‌توان در درون انسان جستجو کرد. هر یک از آفت‌های سه‌گانه فوق برای خود اسباب و عوامل جداگانه‌ای دارند که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۱. ریشه‌های درونی غیبت

غیبت از گناهانی است که عوامل بسیاری دارد که هر کدام به تنهایی می‌تواند سرچشمه غیبت شود، که از آن جمله می‌توان فرو نشاندن خشم، همراهی با هم‌نشینان و دوستان ناصالح (تحت تأثیر جو قرار گرفتن)، انتقام‌جویی، توجیه یا رفع اتهام، کبر، حسد، مزاح و شوخی افسارگسیخته، تمسخر، دلسوزی نسنجیده، خشم، ریاکاری و ... را می‌توان نام برد. قدر مشترک همه این عوامل این است که انسان سعی می‌کند با غیبت کردن، شخصیت طرف و موقعیت اجتماعی او را در هم بشکند و او را در نظرها خوار و بی‌مقدار کند و از این طریق از او انتقام بگیرد یا خشم خود را فرو نشانند یا او را از مقام و مال محروم کند یا خود را برتر و بالاتر از دیگران معرفی کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳، ۱۱۱؛ تویسرکانی، ۱۳۸۷: ۹۹)

۲-۲- ریشه‌های درونی بهتان

بهتان، ثمره تلخ و مولود نامیمون صفات زشت درونی انسان است. این رفتار ناپسند در برخی از ردایل اخلاقی ریشه دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: الف) دشمنی: گاه انسان برای فرو نشانیدن آتش دشمنی و کینه خویش، به دیگری دروغ می‌بندد و نسبت‌هایی ناپسند به او می‌دهد.

ب) حسد: گاهی انسان به رتبه، شأن و کمالات دیگری حسادت می‌کند و برای از بین بردن وجهه‌اش به او بهتان می‌زند.

ج) ترس و فرار از مجازات: گاه انسان از ترس مجازات خطایی که مرتکب شده است، یا برای برطرف کردن نسبت ناروایی که ممکن است به او داده شود، به دیگری بهتان می‌زند و دروغ می‌بندد.

بهتان زدن به دیگری از ترس مجازات خطایی که مرتکب شده یا برای برطرف کردن نسبت ناروایی که ممکن است به او داده شود که هر دو هم در قالب دروغ خواهد بود. و چون بهتان است یعنی عیب و نقصی در شخص نیست به او منسوب می‌شود. شجره خبیثه این ردایل در مسأله بهتان، میوه‌ای به مراتب تلخ‌تر از غیبت می‌دهد. چون در غیبت آن عیب و نقص درواقع در شخص هست و گفته می‌شود ولی در بهتان نیست. (نیلی‌پور، ۱۳۸۷: ۲، ۵۸۵؛ تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۳۶)

۲-۳- ریشه‌های درونی تهمت

ریشه رفتار ناپسند تهمت را نیز، همانند بسیاری از رفتارهای زشت دیگر، باید در ردایل اخلاقی که از عدم اعتدال قوای درونی انسان پدید می‌آیند، جست‌وجو کرد. حسد، طمع، ترس از مجازات، انتقام‌جویی و ... ردایلی هستند که موجب بروز این رفتار زشت می‌شوند. گاه انسان از روی حسادت به کمالی که در دیگری وجود دارد، به متهم ساختن وی اقدام می‌کند تا به این وسیله کمال او نادیده گرفته شود. گاه به سبب واهمه‌ای که از مجازات اعمال خودش دارد، به دیگری اتهام می‌زند و گاه حرص و طمع برای رسیدن به مقام و رتبه متهم، او را به تهمت وا می‌دارد. البته توجه به این نکته ضرورت دارد که نیروی درونی «واهمه» که همان ترس از مجازات است و ریشه توهم و بدگمانی است در تمام این موارد نقش مهمی را ایفا می‌کند تا در برابر اعمال زشت خویش و برای تبرئه خود به دیگری تهمت بزند. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۵۸)

۳- آثار منفی آفات سه‌گانه زبان در زندگی انسان

این آفات سه‌گانه پیامدهای زشت و آزاردهنده‌ای برای افراد و جامعه در زندگی دنیوی به بار می‌آورد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱- ریختن آبرو و شکستن حریم افراد

کسی که به دیگری بهتان یا تهمت می‌زند، یا از او غیبت می‌کند، در حقیقت آبروی او را مورد حمله قرار می‌دهد. از طرفی با توجه به سنت‌های تغییرناپذیر الهی، فرد غیبت‌کننده یا تهمت‌زننده از مکر الهی مصون نمی‌ماند و خود نیز سرانجام رسوا می‌شود؛ چرا که خداوند، آبروی مومن را حفظ می‌کند و او را از آسیب بهتان، تهمت و غیبت دیگران می‌رهاند. اگر چنین کاری در زندگی افراد رایج شود، امنیت و آبروی افراد تهدید می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۳، ۲۷؛ خمینی، ۱۳۷۵: ۳۰۹؛ تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۱۳۷)

در تفسیر آیه ﴿لَا يَغْتَب بَعْضُكُم بَعْضًا﴾ (حجرات/۱۲) از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که هر کس برادر مؤمن خود را در حضورش بستاید و در عدم حضورش به غیبت کردن از او بپردازد، عصمت میان آنان بریده می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۳۸۱) همچنین فرموده است: اگر کسی به واسطه غیبت، احترام و حیثیت فردی را از بین ببرد، گویی گوشت او را می‌خورد و فقط استخوانش باقی می‌ماند. (قرشی، ۱۳۷۸: ۴، ۲۸۲) همچنین امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

لَا تَغْتَبْ، فَتَغْتَبْ؛ وَلَا تَحْفَرْ لِأَخِيكَ حُفْرَةً، فَتَقَعَّ فِيهَا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲، ۲۴۷)

غیبت نکن که مورد غیبت واقع می‌شوی و برای برادرت گودالی نکن که خود در آن خواهی افتاد.

این روایت از دور باطلی سخن می‌گوید که غیبت به دنبال دارد؛ بدین معنا که با غیبت کردن از یک شخص و ریختن آبروی او، زمینه برای غیبت از ما فراهم می‌شود و دیگران نیز از ما غیبت می‌کنند و آبروی ما را می‌برند و به واسطه همین کار، از غیبت‌کنندگان ما نیز غیبت می‌شود و این تسلسل همچنان ادامه می‌یابد و باعث دریده شدن پرده‌ها و هتک حرمت‌ها می‌شود. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۶۵؛ سلطانی، ۱۳۶۱: ۲، ۲۲۰؛ حبیبیان، ۱۳۸۲: ۴۳)

در حالی که در روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌خوانیم:

الْمُسْلِمُ عَلَى الْمَسْلَمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَ مَالُهُ وَ عَرَضُهُ؛ هَتَكَ خُونًا، مَالًا وَ

آبروی مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است.

(مجموعه ورام، بی تا، ۱، ۱۱۵)

۳-۲- ایجاد دشمنی، بغض و کینه

از آنجا که غیبت، تهمت و بهتان، آبروی مؤمنی را می‌ریزد، دوستی او را به دشمنی تبدیل می‌کند. به تبع او، دوستان آن فرد نیز با غیبت‌کننده دشمن می‌شوند و بالاتر از همه خشم پروردگار هم شامل حال فرد می‌شود. بنابراین، این سه گناه، هم خشم پروردگار و هم خشم بندگان او را بر می‌انگیزد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۱۱۳؛ تهرانی، ۱۳۸۱: ۱، ۶۵) امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: «إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا تَمَقُّتُكَ إِلَى اللَّهِ وَ النَّاسِ وَ تُحِبُّ أَجْرَكَ.» (آمدی، ۱۳۳۹: ۲۲۱، ح ۴۴۲۵)؛ از غیبت پرهیز؛ چون موجب می‌شود مورد خشم و دشمنی خدا و مردم قرار گیری و پاداشت نابود شود. در همین راستا حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود: «غیبت‌کننده به سلامتی خود اطمینان ندارد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵، ۲۴۹) و شاید سبب این ناامنی آن باشد که هر کس غیبت کند یا به مردم تهمت و بهتان زند، دشمنی آنان را نسبت به خود برمی‌انگیزد یا اینکه سبب ایجاد اختلاف و تفرقه می‌شود که در این صورت، سلامتی فرد به مخاطره می‌افتد. (مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۳، ۴۲۸)

۳-۳- سلب اعتماد

اگر انسان، عیب برادر مؤمنش را بگوید یا به او نسبت ناروا دهد، اعتماد دیگران را از او و حتی از خودش سلب می‌کند؛ زیرا دیگران به این باور می‌رسند که او شخص مطمئنی نیست و اسرار زندگی اشخاص را فاش می‌سازد؛ در این صورت انسجام زندگی‌ها در معرض خطر قرار می‌گیرد و باعث فروپاشی نظام خانواده‌ها می‌شود. (تهرانی، ۱۳۸۱: ۴، ۶۵)

هر آن که برد نام مردم به عار تو خیر خود از وی توقع مدار
 که اندر قفای تو گوید همان که پیش تو گفت از پس مردمان
 (کلیات سعدی، باب ۳۵۲، ۷)

۳-۴- تبلیغ زشتی‌ها

یکی از منزلت‌هایی که خداوند به انسان داده، این است که او به دیگران خیر می‌رساند و از خیر دیگران نیز بهره‌مند می‌شود. غیبت باعث می‌شود که خیرات از جامعه رخت برینند و صلاحیت‌های افراد زیر سؤال برود و زشتی‌های آن‌ها تبلیغ و ترویج شود. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۸۵؛ مدرسی، ۱۳۷۸: ۱۳، ۴۲۳) در این زمینه حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

مَنْ قَالَ فِي مُؤْمِنٍ مَا رَأَتْهُ عَيْنَاهُ وَ سَمِعَتْهُ أُذُنَاهُ فَهُوَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاجِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾. (نور/۱۹).

هر کس درباره مؤمنی، آنچه که با چشم دیده یا با گوش شنیده است، بازگوید، از کسانی است که خداوند عزوجل درباره آنان می‌فرماید: «قطعاً کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در بین مؤمنان منتشر شود، برای ایشان عذابی دردناک است.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵، ۳۳۱)

۳-۵- از بین رفتن صمیمیت بین برادران

پیامبر اسلام، عقد اخوت بین مسلمان‌ها را در صدر اول اجرا فرمود و اخوت بین تمام مؤمنان برقرار شد. دستوری که آیه شریف قرآن در بردارد، نهی از بدگویی پشت سر برادر دینی است؛ به دلیل آن که صمیمیت آن‌ها را از بین می‌برد و نقاط ضعف افراد را آشکار می‌کند و موجب ایجاد دشمنی میان برادران اهل ایمان می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۸۴، رفسنجانی، ۱۳۸۸: ۲۱، ۴۹۷) امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

من اتهمم اخاه فی دینه فلا حرمة بینهما؛ هر کس برادر دینی‌اش را متهم سازد، بینشان حرمتی باقی نمی‌ماند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۳۶۱)

۳-۶- سست شدن پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن یکپارچگی جامعه

هر یک از گناهان سه‌گانه غیبت و بهتان و تهمت، به صورت بالقوه می‌تواند روی شنوندگان اثر کند و دید آن‌ها را نسبت به فرد مورد نظر عوض سازد تا جایی که با او قطع رابطه کنند و از رفت و آمد با او بپرهیزند. این کار شاید در بدو امر مسئله مهمی نباشد، اما اگر همه جامعه را این آفت در میان بگیرد و همگان به دلیل افشای عیوبشان از یکدیگر قطع ارتباط کنند، چه بلایی بر سر اجتماع مسلمانان می‌آید. در حقیقت این اعمال همانند خوره‌ای است که پیکره اجتماع مسلمانان را می‌خورد و رشته حیات آن‌ها را قطع می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۸۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۱۱؛ قارونی، ۱۳۸۴: ۱۸۰)

نتیجه گیری

از مجموع گفتار حاضر، نتایج زیر را می توان ارائه کرد:

- ۱- اسلام در حیطه سبک زندگی به جزئی ترین و پرکاربردترین مقولات از جمله زبان و قدرت تکلم پرداخته و سبک ویژه ای برای استفاده از آن ارائه داده است.
- ۲- قدرت سخن گفتن از ارزش و جایگاه ویژه ای برخوردار است، اما اگر به جا و درست از آن استفاده نشود، پیامدهای ناگواری را متوجه فرد و زندگی اجتماعی بشر می نماید. بنابراین پرداختن به پیامدهای غیبت امری ضروری است و با توجه به اینکه پیشگیری بهتر از درمان است، در قدم اول باید فرهنگ درست استفاده از نعمت زبان در جامعه اسلامی نهادینه شود.
- ۳- یکی از عوامل مؤثر در آرامش زندگی، خطاپوشی افراد نسبت به یکدیگر و پرهیز از تهمت، بهتان و غیبت است.
- ۴- فرق غیبت و بهتان، در وجود و عدم وجود عیب در فرد مورد نظر است.
- ۵- فرق غیبت و تهمت، در راستی وجود عیب و توهم آن است.
- ۶- فرق بهتان و تهمت نیز در علم بر فقدان عیب در فرد مورد نظر و توهمی بودن وجود عیب در او است.
- ۷- ریشه های هر سه گناه مذکور به عوامل درونی انسان برمی گردد و قدر مشترک همه آن ها حس انتقام جویی و حسادت است.
- ۸- از مهم ترین آثار این گناهان در جامعه می توان به آبروریزی، سلب اعتماد افراد نسبت به یکدیگر، ایجاد کینه و دشمنی، تبلیغ زشتی ها در جامعه، از بین رفتن صمیمت میان افراد و سست شدن پیوندهای اجتماعی را می توان نام برد.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم، ترجمه: محمدمهدی فولادوند.
- ۲- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۲۹: معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳- ابی فراس، ورام، بی تا، مجموعه ورام، قم، انتشارات مکتبه الفقیه.
- ۴- آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۳۹: غرر الحکم و درر الکلم، شرح: محمد بن حسین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- ۵- تاج لنگرودی، محمدمهدی، ۱۳۷۲: اخلاق آموزشی، تهران، تاج لنگرودی.
- ۶- تویسرکانی، حسین، ۱۳۸۷: نجات المؤمنین، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۷- تهرانی، مجتبی، ۱۳۸۱: اخلاق الهی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.
- ۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۲۹: الصحاح، بیروت، دارالمعرفه.
- ۹- حبیبیان، احمد، ۱۳۸۲: مرز فضائل و ردائل اخلاقی، قم، انتشارات مطبوعات دینی، چاپ دوم.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹: وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ۱۱- خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۷۷: دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان.
- ۱۲- خمینی، روح الله، ۱۳۷۵: شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نهم.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷۵: مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: سید غلامرضا خسروی، قم، انتشارات مرتضوی.
- ۱۴- سلطانی، غلامرضا، بی تا: تکامل در پرتو اخلاق، قم، انتشارات اسلامی.
- ۱۵- سعدی، مصلح الدین، ۱۳۷۲: کلیات سعدی، به اهتمام: علی فروغی، تهران، امیرکبیر.
- ۱۶- شریعتمداری، جعفر، ۱۳۸۴: شرح و تفاسیر لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ دوم.
- ۱۷- طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۸۶: المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیست و چهارم.

- ۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹: العین، قم، نشر هجرت.
- ۱۹- قارونسی، افسانه، ۱۳۸۴: بیماری‌های دل و درمان آن از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران، فیض کاشانی، چاپ اول.
- ۲۰- قرشی، علی اکبر، ۱۳۸۷: قاموس قرآن، تهران، دار الکتب السلامیه.
- ۲۱- _____، ۱۳۷۸: تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ سوم.
- ۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۰: اصول کافی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، قم، اسوه، چاپ اول.
- ۲۳- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳: بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۴- محبی، سعید، ۱۳۸۶: دایرةالمعارف تشیع، تهران، مرکز دائرةالمعارف، چاپ اول.
- ۲۵- مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۸: تفسیر هدایت، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵: اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ سوم.
- ۲۷- _____، ۱۳۸۶: تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هفتم.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴: اخلاق در قرآن (مشکات)، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- ۲۹- نراقی، احمد، ۱۳۶۱: معراج السعادة، تهران، انتشارات رشیدی.
- ۳۰- نیلی‌پور، مهدی، ۱۳۸۷: بهشت اخلاق، قم، مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه)، چاپ چهارم.
- ۳۱- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۸: فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.